

• مجموعه‌ی تلویزیونی "کیمیاگر"  
(۱۳۵۳)  
ساخته‌ی علی‌اصغر سنجری



• مجموعه‌ی تلویزیونی  
"سلطان صاحبقران"  
(۱۳۵۴)  
ساخته‌ی علی‌حاجی





• "باغ سنگی" (۱۳۵۴) ساخته‌ی پرویز کیمیای  
• "پسر ایران از عادرش بی‌خبر است" (۱۳۵۴) ساخته‌ی فریدون رهسما





ه "بوف گور" (۱۳۵۴) ساخته‌ی کیومرث درمبخش

ه "زلزله دوم" (۱۳۵۵) ساخته‌ی افشین شرکت





• مجموعه‌ی تلویزیونی "دلیران تنگستان" (۱۳۵۵) ساخته‌ی همایون شهنواز

• مجموعه‌ی تلویزیونی "دانشی جان ناپلئون" (۱۳۵۵) ساخته‌ی ناصر تقوایی





• مجموعه‌ی تلویزیونی "آتش بدون دود"  
(۱۳۵۵)  
ساخته‌ی نادر ابراهیمی



• مجموعه‌ی تلویزیونی "آقای مربوطه" (۱۳۵۵)  
ساخته‌ی بهزاد اشتیاقی



• مجموعه‌ی تلویزیونی  
"خانواده حاج لطف‌الله"  
(۱۳۵۶)  
ساخته‌ی پرویز نوری

• مجموعه‌ی تلویزیونی "طلاق"  
(۱۳۵۶)  
ساخته‌ی مسعود اسداللهی





• مجموعه‌ی تلویزیونی "غارتگران"  
(۱۳۵۶)  
ساخته‌ی محمد متوسلانی

• مجموعه‌ی تلویزیونی "شبهه صفر"  
(۱۳۵۷)  
ساخته‌ی حسن خیاطباشی





# کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

## فضایی متفاوت

• در کنار انبوه فیلمهای مردم‌فرب سینمای حرفه‌ای، از سال ۱۳۴۸ سینمایی توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در ایران پا گرفت که درست برعکس سینمای رایج سیر می‌کرد - سینمایی بدور از ابتذال و سودجویی و به‌همین علت، سالمتر و صادق‌تر، گفته می‌شود سیاست‌های فرهنگی رژیم گذشته قصد ساختن یک "وبترین" و "کالای جشنواره‌ای" از فعالیتهای سینمای کانون داشت و هدف از تشکیل این مرکز مشغول کردن روشنفکران ناراضی به کارهای هنری غیرسیاسی بود. اما، مقصود هرچه بود، ماحصل آن، در سایه‌ی هشیاری برخی از سینماگران آگاه، ارزش‌های انکارناپذیری پدید آورد. در طول فعالیت چندساله‌ی کانون، بیش از شصت فیلم ساخته شد که برخی از آنان در زمره‌ی یادگارهای برجسته‌ی سینمای ایران هستند و اکثر آنها در تلویزیون‌ها و سینماهای کشورهای دیگر به‌نمایش درآمدند.

اما این مرکز چگونه شکل گرفت؟ کانون پرورش به‌منظور بسط فعالیتهای فرهنگی و هنری خود و تجربه‌ورزی در قلمروهای تازه، به فکر تاسیس یک مرکز سینمایی افتاد. در پایان سال ۱۳۴۷ "نمایشات سیرک بزرگ مسکو" در ایران را برگزار کرد و عایدی این نمایش را به تهیه‌ی امکانات استودیویی و وسایل ضروری برای این مرکز سینمایی اختصاص داد.

مرکز سینمایی کانون در چند ماه فعالیت اولیه‌ی خود، تهیه‌ی پنج فیلم ویژه‌ی کودکان و نوجوانان را در زمینه‌های آموزشی و هنری به فیلمسازان سفارش داد و در همان حال کوشش بیکپوری را برای ایجاد ارتباط با یونسکو و سایر مراکز فرهنگی و سینمایی دنیا آغاز کرد. جلب همکاری و حمایت یونسکو برای تشکیل کنفرانسهایی در زمینه‌ی فیلمسازی و برقراری ارتباط با مراکز بزرگ سینمایی بلژیک، چکسلواکی و انگلیس، از ثمرات این تلاش‌هاست.



از جمله کارهای دیگر مرکز سینمایی کانون در سال ۱۳۴۸ تهیه بورس و اعزام یک نفر (نورالدین زرین کلک) برای ساختن فیلم به بلژیک و جلب همکاری یونسکو در ایجاد مرکزی جهت توزیع فیلم‌های کودکان در ایران بود.

در پی این جنب و جوش، اولین محصولات مرکز سینمایی کانون در سال ۱۳۴۹ به نمایش درآمد. هفت فیلم، که طی چند ماه ساخته شدند، حاصل تلاش دست اندرکاران این مرکز بود و از میان آنها "آقای هیولا"، "سوء تفاهم"، "گرفتار" و "وزنه بردار" نقاشی متحرک رنگی و "بدبده"، "عموسبیلو" و "نان و کوچه" زنده و سیاه و سفید بودند. فیلم‌های مرکز سینمایی کانون به پنجمین فستیوال جهانی فیلم‌های کودکان و نوجوانان تهران راه یافتند و مورد استقبال تماشاگران قرار گرفتند. هیات داوران بین‌المللی فستیوال در بیانیه‌ی خود، اعلام داشت: "مجسمه‌ی طلایی فستیوال به مرکز سینمایی کانون پرورش و نوجوانان ایران که با آغازی درخشان نوید می‌دهد که به یکی از مراکز مهم سینمایی مبدل میگردد، اهدا می‌شود. هیات داوران مایل است بخصوص از فیلم "نان و کوچه" و نیز فیلم‌های نقاشی متحرک "گرفتار"، "سوء تفاهم" و "آقای هیولا" نام ببرد...". بدین‌گونه، نخستین گام مرکز سینمایی کانون پرورش همراه با کامیابی بود. این مرکز علاوه بر کادربندی ثابت خود، بهره‌گیری از دیگر هنرمندان و متخصصان را نیز آغاز کرد و با درج آگهی در روزنامه‌ها آنها را به همکاری فراخواند. در پی این دعوت، عده‌ای از هنرمندان و سینماگران با ذوق به مرکز سینمایی کانون روی آوردند و بصورت قراردادی در زمینه‌ی سناریونویسی، فیلمبرداری، مونتاژ، و کارگردانی فیلم (به‌شکل زنده و نقاشی متحرک) شروع بکار کردند. در همین سالها، مرکز سینمایی کانون دست به دو اقدام ارزنده می‌زند. اول: ایجاد آرشیو فیلم.

آرشیو فیلم در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۴۹ کار خود را آغاز می‌کند، تا بدین وسیله بتواند گذشته از فیلمهایی که کانون می‌سازد، فیلم‌های مناسبی را که در کشورهای مختلف جهان تهیه می‌شود، انتخاب و خریداری کند و پس از برگردان به زبان فارسی آنها را در سانس‌های مخصوص در سینماهای کشور، برای کودکان و نوجوانان به‌نمایش بگذارد. هدف دیگری که آرشیو فیلم دنبال می‌کرد، خرید فیلمهایی بود که در زمینه‌ی هنری و تاریخی تهیه شده بودند و می‌توانستند منبع تحقیقاتی ارزشمندی برای هنرمندان این مرکز و دیگر مراکز باشند. از این رو، آرشیو فیلم کانون در نیمه‌ی دوم سال ۴۹ با مراکز مختلف تهیه فیلم در جهان از طریق مکاتبه رابطه برقرار کرد و آنها را در جریان هدف‌های فرهنگی و غیرتجاری خود قرار داد. به‌دنبال شکل گرفتن آرشیو فیلم است که کانون سینما پلازا را برای نمایش فیلم‌های ایرانی و خارجی اجاره کرده با فروش ارزان بلیت (دو تومان)، اقدام به‌نمایش این آثار می‌کند.

دوم، تهیه‌ی فیلم توسط کودکان و نوجوانان کتابخانه‌های کانون است. مسئولان کانون با آگاهی از علاقه‌ی نوجوانان به فیلمسازی، کارگاه‌های کوچکی در کتابخانه‌های خود برای آموزش امر فیلمسازی سوار آورد. این کارگاهها بسیاری از نوجوانان مشتاق را جذب کردند و پس از چندی بصورت یکی از مراکز مهم سینمای آماتوری درآمدند (در بخش سینمای آماتور به این موضوع

پرداخته می‌شود).

برای آسای سسر یا باریخچد و حکوبکی فیلمسازی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با "نورالدین زرین‌کلک"، که از اولین زورهای شکل‌گیری مرکز سینمایی کانون با آن همکاری داشته است، گفتگویی انجام دادیم که حکدهی حرفهای او در زیر می‌آید: \*

"یکی دو سال بعد از تاسیس کانون پرورش، مرکز سینمایی کانون در یک اطاق آغاز بکار کرد. در آن زمان فعالیت اصلی کانون روی تهیه کتاب برای کودکان متمرکز بود. علت اصلی تاسیس مرکز سینمایی هم به دلیل ارباطی بود که کانون با نویسندگان و بخصوص با نقاشان کتابهای کودکان داشت. فکر ساختن فیلم نقاشی متحرک مبداء کار فیلمسازی در کانون بود. با امکانات و وسایل محدودی که فراهم شد، نقاشان کتابهای کودکان شروع کردند به تجربه در زمینهی فیلمهای نقاشی متحرک. از این افراد می‌شود از آقایان "آرابیک باعداساریان" و "فرسید منقالی" نام برد که از اولین‌ها هستند. همزمان با این کار، برگزاری فستیوال فیلمهای کودکان و نوجوانان نیز که بوسیله کانون صورت می‌گرفت، در جریان بود. از این جهت با سی چند از فیلمسازان مهمان خارجی مذاکره شده تا شخصی به یکی از کشورهای برود و دوره آموزش فیلمسازی نقاشی متحرک را طی کند. چنین بود که مرا برای این منظور به بلژیک فرستادند تا در آکادمی هنرهای زیبای شهر "گان" این رشته را آموزش ببینم.

زمانی که من اینجا بودم، همان افراد در حال تجربه، شروع به کار جدی کردند. جدا از ایشان افرادی چون آقای "کیارستمی" نیز اولین فیلم زنده را بنام "نان و کوجه" ساخت. از آن گروه نیز آقای منقالی فیلمهای "هیولا" و "سوءبفاهم" و آقای باعداساریان فیلمهای "گرفزار" و "وزنه‌بردار" را بوجود آوردند. من هم در آنجا دو فیلم "وظیفه اول" و "زمین بازی با بوش" را ساختم که بعداً با خود به اینجا آوردم.

در سال ۱۳۵۱ که به ایران برگشتم مرکز سینمایی کانون شکل منسجمی به خود گرفته بود، در همان زمان هم آقای صادقی مشغول ساختن فیلم "هفت شهر" بود، من نیز بلافاصله شروع بکار کردم. بدلیل استقبال قابل توجه تماشاچیان و خالی بودن این زمینه از کار، فیلمهای اولیه مورد توجه قرار گرفته و موج شویق باعث آن شد که مرکز سینمایی به یکی از ارکان اصلی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بدل شده، و سالیانه بر تولید فیلمها اضافه شود. در همین دوران است که نبود یک گروه آموزش‌دیدهی نقاشی متحرک در ایران، سبب شد که فکر ایجاد یک مرکز آموزش شکل گیرد. به این جهت در سال ۱۳۵۴ مکانی به نام "مرکز تجربیات نقاشی متحرک" پایه‌گذاری شد، که سیزده شاگرد از بین دو هزار شرکت‌کننده، برای آموزش پذیرفته شدند. کلاسها یک دوره‌ی هجده ماهه داشت که افراد پذیرفته شده این دوره را گذراندند. از بین همین آموزش‌دیدگان دو نفرشان به اتفاق من به چکسلواکی برای دیدن دوره‌ی "انیمیشن عروسکی" رفتیم. البته آقای نصرت کریمی از قبل در این

زمینه کار می‌کردند، ولی غالب آثارشان تاثرهای عروسی فیلمبرداری شده بود. بهرحال بعد از بازگشت ما در همان مدرسه‌ی واقع در بست دانشگاه تهران، آنچه را که آموخته بودیم به دیگران آموزش دادیم.

در خلال این سالها تا سال ۱۳۵۶ - که به سرفصل نازهای می‌رسیم - ما به ساختن فیلم نقاشی متحرک ادامه دادیم. در سال ۱۳۵۶ با مذاکرایی که بین کانون پرورش و دانشگاه ناز ناسیس فارابی صورت گرفت، دو طرف موافقت کردند با ریشه‌ی نقاشی متحرک را بعنوان یکی از رشته‌های آن دانشگاه - با بودجه کانون و تحت مدیریت علمی دانشگاه فارابی - قرار دهند، که یک دوره‌ی فوق لیسانس را دربر بگیرد. این دوره از سال ۱۳۵۶ شروع به‌کار کرد، که اواسط دوره با تعطیل دانشگاه‌های کشور مواجه شد. در این دوره هفده دانشجو داشتیم که از لیسانس‌های دانشکده‌های مختلف (در رشته‌های عمدتاً "گرافیک") بودند. همانطور که گفته شد، مسافانه این دوره به‌پایان نرسید، چه در صورت ادامه آینده باروری را در این زمینه نوید می‌داد.

در مورد موضوع فیلمها و زمینه‌های اجتماعی آنها باید گفت: فیلمهای کانون از یک نوع اندیشه‌ی روشنفکرانه تغذیه می‌کرد. سرچشمه‌ی این اندیشه را هم باید در نگرش و بینش کسانی که در زمینه ادبیات کودکان و پرورش کودکان کار می‌کردند، جستجو کرد، یعنی همسپایی که بویسده‌ی داستانهای کودکان، نقاش داستانهای کودکان و یا مربیان کودک بودند. ایسان با شروع کار مرکز سینمایی کانون کم‌کم جذب کار شدند و با همان اندیشه‌ی یاد شده فعالیتشان را آغاز کردند، فعالیت در زمینه‌ی فیلمنامه‌نویسی یا راساً فیلمسازی کردن. مضامینی که آنها برای کارهایشان انتخاب می‌کردند، تاثیر پذیرفته از عوامل کوناگونی بود. از این عوامل می‌توان از نمایش فیلمهای کودکان در برنامه‌های تلویزیونی یاد کرد، که غالباً در سطح بازاری قرار داشتند (مفصود فیلمهای خارجی است که تا آن زمان خریداری کرده و به‌نمایش می‌گذاشت). عامل موثر دیگر جوان بودن این ریشه و تازگی داشتن آن برای قشر نماشاچی بود که با تبلیغات و مناسبات رژیم گذشته، مضامین خاصی را ایجاد میکرد.

بهرحال این عوامل به‌همراه تشویق بینندگان و دست اندرکاران، دست بدست هم داد و جهتی را ایجاد کرد که شما آن جهت را در مضامین فیلمهای ساخته شده دیده‌اید. جهتی که همراه با تاثیرات منفی، تاثیرات مثبت نیز بدنبال داشت. در همین مورد می‌توان به نمایش فیلمهای "سوپرمن" از تلویزیون اشاره داشت. نمایش اینگونه آثار که از نظر کیفیت در حد پائینی بودند و از نقطه نظر محتوا نیز گمراه کننده، سبب شدند که فیلمسازان ایرانی در جهت عکس آنها حرکت کنند و آثاری خلق کنند با کیفیت برتر و محتوای بهتر.

در مورد موضوع فیلمها باز گفتنی است که ما عمدتاً تحت تاثیر فیلمهای خارجی بودیم به شکل خاص و تحت تاثیر فرهنگ اروپایی در معنی عام آن. شرایط فرهنگی اجتماعی آن زمان را اگر مرور کنیم، می‌بینیم که این مسئله یک حرکت عمومی بود.

و اما از نقطه نظر اقتصادی؛ وابسته بودن این مرکز به یک سازمانی که از نظر اقتصادی به آن



انکا داشت فیلمساز را از درگیری‌های مالی فیلمسازی آسوده می‌کرد. این امر سبب تشدید ابداع سوژه‌های روشنفکرانه و در عین حال کاملاً "جدا از خط" فیلمسازی "سازی شد. راهی که در شکل افراطی آن از مرز معقول هم تجاوز کرد. یعنی روشنفکرمنشی کار را به‌جایی کشاند که در واقع اثر خود را خنثی می‌کرد. بعضی از این آثار به‌قدری روشنفکرانه بود که نه‌تنها برای بچه‌ها بلکه برای بزرگسالان نیز مفهوم نبود. از این دست آثار می‌شود به "هفت شهر" اشاره داشت که آنچنان بار مفاهیم انتزاعی و پیچیده فلسفی داشت که نه‌تنها از درک کودکان دور بود، بلکه بزرگسالان با فرهنگ را نیز دچار سرگردانی می‌کرد. البته ناگفته نماند که چنین راه و ابداع چنین مضامینی بطور منطقی لازم و جبر حرکت بود. می‌بایست از این تجربیات گذر می‌کردیم تا به مرزهای نوی در فیلمسازی می‌رسیدیم. چنانکه بعداً این خطاها اصلاح شد. از طرفی منحصر بودن و هم محدود بودن آدمهای دست اندرکار و هم محدود بودن تولید، سبب آن بود که این خاصیت فیلمها، بزرگتر از حدی که بود بگنجه کند، و اگر فرضاً تولید فیلمها به ده برابر این می‌رسید، این خطاهای اجتناب‌ناپذیر ارزش به یک‌دهم تقلیل می‌یافت.

جنبه‌ی دیگر مسائل اقتصادی، سعی حکومت در عرضه کردن نوعی فیلم به‌عنوان کالا و در ویتترین گذاردن آن بود، تا بدین وسیله بتواند تبلیغات مورد نظرش را صورت دهد. این امر روی انتخاب پاره‌ای از آثار تاثیر زیادی داشت. منتهی باید این را هم اعتراف کرد که حاکمیت هیچوقت به شکل مستقیم تکلیف معین نمی‌کرد. بنابراین دست اندرکاران این آزادی را داشتند که به‌نحوی روی محتوا و فرم کار خودشان تصمیم بگیرند، و این را در آثار عرضه شده می‌توان دید و بررسی کرد. همین امر باعث شده بود که کارگردانهای باهوشتر از این موضوع برای بیان مطالب خود استفاده کنند. چه آنکه مواردی پیش می‌آمد که زیر پوشش کار برای کودکان حرفه‌ای برای بزرگسالان گفته می‌شد. تاثیر سیاسی این موضوع را در قوام آمدن میل به انقلاب در کارها می‌توان دید. مورد دیگری که در زمینه‌ی اقتصادی می‌توان ذکر کرد اینست که چون غم از دست دادن سرمایه اصلاً مطرح نبود، رقابت در حد برخوردهای فستیوالی صورت می‌گرفت، و در نتیجه غالب فیلمها وظیفه خود نمی‌دانستند با حداکثر تماشاچی برخورد کنند، بلکه این فکر و روحیه قوت داشت که فیلم طبقه خاصی - سینما روه‌ای حرفه‌ای و پیروان فیلمهای فستیوالی - را عمیقاً تحت تاثیر قرار دهد. یعنی در سطح کمتر و در عمق بیشتر کار کنند.

نام و نشان فیلمهای تهیه شده در مرکز سینمایی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به توالی سالها از این قرار است:

## فیلمهای سال ۱۳۴۹

• آقای هیولا (نقاشی متحرک) - به‌کارگردانی فرشید مثقالی، رنگی، ۸ دقیقه.

هیولائی که ساخته‌ی دست آدمهاست تدریجاً بر آنها می‌شورد و شروع به بلعیدن شهر و مردم

می‌کند. همه هراسان و آشفته‌اند، جز کودکی که می‌کوشد به نیروی هوش و تفکر، گلی را که نشانه‌ی زندگی است از گزند این هیولا برهاند.

ه بدیده (زنده) - به‌کارگردانی محمدرضا اصلانی، سیاه و سفید، ۲۹ دقیقه.

پسرکی با پدربزرگ و مادرش زندگی می‌کند. یک روز پدربزرگ پرنده‌ای بنام بدیده را در قفس نخی به خانه می‌آورد و به پسر می‌سپارد. تا پیش از این، پسر در بی‌خبری و بی‌خیالی زندگی می‌کند و هزاران کلاغ زشت تجاوزگر را نمی‌بیند. اما بدیده با دیدن هر نادرستی از کلاغ‌ها، بانگ خود را سر می‌دهد و بدین‌گونه چشم پسرک را بر ناراستی و بدکاری می‌گشاید. از این‌رو بدیده آماج حمله‌ی کین‌توزانه کلاغ‌ها قرار می‌گیرد و علیرغم دفاع پسر، کلاغ‌ها بدیده را به خون می‌کشند.

ه سوءتفاهم (نقاشی منحرک) - ساخته‌ی فرشید مثقالی، رنگی، چهار دقیقه.

گذرگاهی است و رهگذری که تا به آدمهای موقر و محترم می‌رسد زبانش را درمی‌آورد. رهگذران دیگر به‌نصورت این شخص آنها را دست می‌اندازد، ناراحت می‌شوند و از او شکایت می‌کنند. زندان هم این شخص را درست نمی‌کند، پس باید "سوءتفاهمی" پیش آمده باشد.

ه عموسیلو (رنده) - به‌کارگردانی بهرام بیضائی، سیاه و سفید، ۲۸ دقیقه.

عموسیلوی پیرمرد، تنها در اطاقی زندگی می‌کند. اتاق او مشرف به زمینی سنگلاخی است که بچه‌ها قسمی از آن را تبدیل به زمین فوتبال کرده‌اند. پیرمرد از هیاهوی بچه‌ها آرام ندارد، تا اینکه یکروز بچه‌ها با نوپ شیشه‌ی پنجره‌ی او را می‌شکنند. عمو سبیلوی عصبانی سر در پی آنها می‌گذارد. بچه‌ها از ترس می‌گریزند و دیگر برای بازی به زمین بر نمی‌گردند. از آن روز به بعد، پیرمرد مانده است و بیابان سوت کور، و از اینجاست که او سنگینی تنهایی و سکوت را عمیقاً حس می‌کند، و سرانجام برای آشتی به‌سراغ بچه‌ها می‌رود.

ه گرفتار (نقاشی منحرک) - ساخته‌ی آراپیک باغداساریان، رنگی، ۴ دقیقه.

یک علامت فلش (پیکان) تلاش می‌کند تا خود را از تابلوی عبور ممنوع آزاد کند. تلاش فلش در محدوده‌ی دایره‌ی تابلو تنها به شکل‌های تازه‌ای از ممنوعیت - و اسارت - می‌انجامد.

ه نان و کوجه (زنده) - به‌کارگردانی عباس کیارستمی، سیاه و سفید، ۱۱ دقیقه.

کودکی نان در بغل، بازی‌کنان به خانه برمی‌گردد. سگی ولگرد بر سر راه او جلوی در خانه‌ای نشسته است. کودک از سگ می‌ترسد و مدتی چشم براه یاری رهگذران می‌ماند، اما انتظارش بی‌فایده است. سرانجام با دادن تکه نانی به سگ با او دوست می‌شود.

ه وره‌بردار (نقاشی منحرک) - به‌کارگردانی آراپیک باغداساریان، رنگی، ۶ دقیقه.

شیادی به‌نام فه‌رمان وزنه‌برداری نمی‌تواند وزنه‌ای را بلند کند. در واقع هدف او هم بلند کردن وزنه نیست. شیفته خودنمایی است و عاشق غریب‌هورا و کف زدن‌های تماشاگران بنا بر این ناگزیر به شیادی و فریب دست می‌رند. به‌جای بلند کردن وزنه روی آن بالانس می‌زند و حرکاتی را انجام می‌دهد. او مدال را می‌برد، اما چه کسی را فریب داده است، خودش یا مردم را؟

## ۱۳۵۰

• آنکه خیال ناف و آنکه عمل کرد (نقاشی متحرک) - ساخته‌ی مرتضی ممیز، رنگی، ۱۰ دقیقه.  
این فیلم، داستان پسری است که بارها می‌کوشد تا بالاخره موفق می‌شود میوه‌ای را از درخت بچیند و هر بار در مقابل تلاش‌های او، پسر خیال‌بافی مسخره‌اش می‌کند.  
• پسر و ساز و پریده (نقاشی متحرک) - به‌کارگردانی فرشید مثقالی، رنگی، ۱۱ دقیقه.  
پسری سازی پیدا می‌کند و می‌کوشد نوای مطلوب خود را بنوازد، اما موفق نمی‌شود. او درصدد برمی‌آید که از دیگران کمک بگیرد. داستان فیلم براساس برخورد پسر با افراد مختلف برای نواختن ساز ادامه می‌یابد.

• رهائی (زنده) - ساخته‌ی ناصر تقوایی، رنگی، ۱۱ دقیقه.

یک روز صبح در بندر کوچکی در جنوب، پسرک ماهیگیری بنام دادا ماهی قرمز زیبایی صید می‌کند. دوست او ماشو از ماهی خوشش می‌آید و با استفاده از حادثه‌ی کوچکی ماهی را می‌رباید. بر سر پس گرفتن ماهی بین بچه‌ها دعوا می‌شود. دادا سر ماشو را با سگ می‌تکند و ماهی قرمز را برمی‌دارد و به‌خانه می‌رود. مادر ماشو همراه بچه‌ی زخمی خود به‌سکایت می‌آید. پدر دادا برای تنبیه، دادا را در اتاقی حبس می‌کند. در این زندان دادا با ماهی قرمز تنها می‌ماند و کم‌کم به این نتیجه می‌رسد که ماهی هم مثل خود او زندانی‌ست و آرزوی رهایی دارد. غروب همان روز دادا، به‌کمک ماشو که برای دلجوئی پیش او آمده، ماهی را به کنار دریا می‌برد و رها می‌کند.

• زمین بازی ساوش (نقاشی متحرک) - به‌کارگردانی نورالدین زرین کلک، رنگی، ۷ دقیقه.

بابوش مشغول بازی با بادکنکش است و لاک‌پشتی که دوست اوست در آنجا حضور دارد. هنگام بازی بادکنک آنقدر بالا می‌رود که در ماه می‌افتد. مامورین آتش‌نشانی، سلیمان با قالیچه جادویش، و راکت مرموز برای آوردن بادکنک تلاش می‌کنند، اما موفق نمی‌شوند. عاقبت لاک‌پشت به جنگل می‌رود و با نردبانی از حیوانات که رویهم سوار شده‌اند برمی‌گردد. بابوش از نردبان بالا می‌رود و بادکنک را از ماه پائین می‌آورد.

• هفت شهر (نقاشی متحرک) - ساخته‌ی علی‌اکبر صادقی، رنگی، ۱۵ دقیقه.

این فیلم که با برداشتی از هفت شهر عشق عطار ساخته شده است؛ اشاره - و زبانی - تمثیلی دارد به هفت مرحله در طریق عشق

## ۱۳۵۱

• رنگ تفریح (زنده) - ساخته‌ی عباس کیارستمی، سیاه و سفید، ۱۴ دقیقه.

کیارستمی، در رنگ تفریح، به مسائل کودکان در زمینه‌های ذهنی و عاطفی می‌پردازد.

• سفر (زنده) - به‌کارگردانی بهرام بیضائی، سیاه و سفید، ۳۴ دقیقه.

داستان جستجوی دو پسر بچه، که یکی از آنها به‌دنبال پدر و مادر می‌گردد و دیگری به‌عنوان یک یار همدرد همراه اوست. آن یکی که در جستجوی پدر و مادر است در رویای بدست آوردن یک

زندگی آسوده بسر می برد، و دیگری به امید آنکه آن پدر و مادر خیالی دوستش بتوانند کاری برای او صورت دهند، با اسفافی همه جا را همراه دوستش ریز بای می گذارد. بدبهنای این جستجو (سفر) بیضائی تصویر بسیار زیبایی از جامعه برسیم می کند. فیلم در نوع خود ابريست بیاد ماندنی و دلنشین.

• سهر خاکسری (سفاسی محرک) - ساختهی فرسد منقالی، رنگی، ۷ دقیقه.

این فیلم که براساس داستانی از "یل بریب" دید آمده، ماجرای یک مرد سبز رنگ است که به شهری خاکسری می رود. مرد سبز یک گل با خود دارد. ساکنان شهر هرگز گل ندیده اند. مرد سبز می خواهد که مردم گل را دوست داشته باشند و آنرا پرورش دهند تا زیاد شود. مردم، با این اعتقاد که سبها آدمهای سبز می توانند گل بکارند، به پرورش گل بن می دهند. مرد سبز از شهر می رود. گل روی به زمردنه شدن می گذارد. اما کودکی آنرا در زمین می گارد.

• گلزاران (سفاسی محرک) - به کارگردانی علی اکبر صادقی، رنگی، ۸ دقیقه.

آرامش و آسبی بر دو شهر همسایه سایه کسزده است، که ناگهان بر سر صاحب پرندهای، که همزمان بوسیله حکام شهر شکار شده است، دوستی رنگ دشمنی به خود می گیرد. بچه های دو شهر که زندگی را در خطر نابودی می بینند درصدد حاره جوئی برمی آیند و سلاحهای دشمنی را مبدل به برابهای آسبی می کنند. اما در هنگام تقسیم پرنده پخته باز بن حکام احتلاف می افند و آتش کینه از بوروبابه می کنند.

• من حعدر مداسم (سفاسی محرک) - به کارگردانی نفیسه ریاحی، رنگی، ۶/۳۰ دقیقه.

کودکی می خواهد به راز سلسلهی اعداد پی ببرد و دانش خود را در این باره با دنیای واقعی مطابقت دهد. معلم سرگرم آموزش اعداد بنیادی به کودک است و زندگی پرسش های نازهای برای کودک پیش می آورد. بنابراین می کوشد تا از آموخته های خود برای آنها باسخی بیابد، اما همیشه برسی بافی می ماند.

• یک بقطه سر (سفاسی متحرک) - به کارگردانی مرضی ممیز، رنگی، ۵ دقیقه.

این فیلم نشان دهندهی مجموعه ای از نقاط سیاه است، که یک نقطه ی سبز در میان آنها قرار دارد. نقطه ی سبز سعی می کند با تلاشهای خود مجموعه را رنگین کند و در این راه موفق می شود.

• من آم که... (سفاسی محرک) - ساختهی علی اکبر صادقی، رنگی، ۹ دقیقه.

همزمان با طلوع خورشید، رزم آوران دو لشکر با بعرصه میدان می نهند و خروش هم آوردن گوش فلک را کر می کنند. در ستیزی تن به تن هر دلاوری از بیم حریف به لاف و کزاف بانگ برمی دارد: من آم که...

۱۳۵۲

• رنگین کمان (سفاسی محرک) - ساختهی نفیسه ریاحی، رنگی، ۶ دقیقه.

رنگین کمان، نمایشگر تلاش وجود پوینده و پاکیزه ایست که می کوشد رنگ و نور را در نا هنجاریهای





پیرامون خویش نفوذ دهد، اما نیروی ناچیز او عاقبت مقهور محیطش می‌شود. با این همه، در آخر می‌بینیم که باز دستی هست که مشعل افتاده را از زمین برمی‌گیرد و بر راه تاریکی خطی از نور ترسیم می‌کند.

• دار (زنده) - ساخته‌ی رضا علامزاده، رنگی، ۱۵ دقیقه.

"دار"، حکایت دامی است برای شکار پرنده؛ ولی گستردن هر دام صید مطلوب را به‌همراه نخواهد داشت. بچه‌ای دامی می‌گستراند، اما بجای پرنده، جوجه‌اش در آن می‌افتد.

• استقلال (نقاشی متحرک) - ساخته‌ی پرویز نادری، رنگی، ۴ دقیقه.

زندگی مشترک دو نفر در یک سیاره و بروز اختلاف میان آنها سبب می‌شود که سیاره به دو نیمه تقسیم شود. قدرت جاذبه از بین می‌رود و آن دو سقوط می‌کنند.

• سیاه پرنده (نقاشی متحرک) - ساخته‌ی مرتضی ممیز، رنگی، ۸ دقیقه.

سیاه پرنده، مظهر دهشت، تخریب و تجاوز است. پس باید به دفع او پرداخت. از فرزند این سیاه پرنده می‌توان چنان موجودی ساخت که ضمن حفظ اصالت غریزی‌اش، نمونه‌ای از صفا و نیکی باشد.

• گرم خیلی خیلی خوب (نقاشی متحرک) - ساخته‌ی فرشید مثقالی، رنگی، ۳/۵ دقیقه.

این فیلم، داستان گرمی است که می‌خواهد مورد تایید قرار گیرد. از این رو به هر دری می‌زند و به هر سازی می‌رقصد، ولی در انتها زیر بار این نوع زندگی "گرم‌وار" جان می‌دهد.

• سازدهنی (زنده) - ساخته‌ی امیر نادری، رنگی، ۷۵ دقیقه.

کودکی که تمثیلی از یک فرد ثروتمند است، به‌انگه یک سازدهنی بر بچه‌های دیگر تسلطی جابراجه پیدا می‌کند. در این میان کودک محرومی هست که بیش از دیگران مورد استثمار قرار می‌گیرد. اما آدمی که بخاطر بدست آوردن مطلوب، خویشتن را تحقیر می‌کند، بالاخره در یک لحظه بیدار می‌شود و بار خفت را از دوش به‌زیر می‌اندازد. کودک استثمار شده چنین می‌کند او سازدهنی را که وسیله‌ای برای تحقیر او بوده به‌دریا می‌اندازد.

• هرگز (زنده) - ساخته‌ی اسفندیار منفردزاده، رنگی، ۴ دقیقه.

کودک گوسفند را دوست دارد. زنده شدن گوسفند آرزوی اوست، قصاب آرزویش را برمی‌آورد. دل کودک از شوق و مهر سرشار می‌شود.

## ۱۳۵۳

• مسافر (زنده) - به‌کارگردانی عباس کیارستمی، سیاه و سفید، ۷۲ دقیقه.

قصه‌ی فیلم درباره‌ی پسربچه‌ای است که به فوتبال علاقمند است و در شهرستان زندگی می‌کند. او آرزو دارد برای دیدن یک مسابقه‌ی مهم فوتبال، خود را به تهران برساند، اما برای رسیدن به این هدف درگیر مسائل و مشکلات زیادی می‌شود.

• گنج (نقاشی متحرک) - ساخته‌ی احمد اسبقی، رنگی، ۵/۵ دقیقه.



- مردی از شهر می‌گریزد تا در سادگی طبیعت به زندگی ادامه دهد. اما بدون آنکه ادراک درستی از نهادش داشته باشد، اینبار خود اوست که شهر تازه‌ای را بنیان می‌نهد.
- رج (عاشق منحرک) - ساخته‌ی علی‌اکبر صادقی، رنگی، ۱۱ دقیقه.
- شاهد ماحرا یک صفحه شطرنج است. مهره‌ها در حرکت هستند و مبارزه می‌کنند تا آنکه صفحه‌ی شطرنج از هماوردان خالی می‌ماند. دو مهره بر صفحه‌ی شطرنج به‌جا می‌ماند، که شاهان هستند. ایندو، بگدست شطرنج می‌آورد و به‌بازی ادامه می‌دهد.
- ایل مل (عاشق منحرک) - ساخته‌ی نورالدین زرین‌کلک، رنگی، چهار دقیقه.
- این فیلم براساس چند مل بسیار مداول بنا شده که عبارتند از: ایل مل تونوله و این درو واکن سلیمون.
- دوباره نگاه کن (رنگه و عاشق منحرک) - ساخته‌ی فرشید مثقالی، رنگی، ۱۵ دقیقه.
- فیلم حسحوئی است در طبیعت برای یافتن اشکال انسان و فرم‌های حیوانات. به‌همان شیوه که یک کودک درباره‌ی فضای اطراف خود و طبیعی که او را احاطه کرده، دست به تخیل می‌زند، داستان می‌سازد و ارتباط برقرار می‌کند.
- کوردس در یک روز حوس آفاسی (رنگه) - ساخته‌ی حسن بنی‌هاشمی، رنگی، ۲۷ دقیقه.
- علامعباس با پدر و آسیر بیرسان در یک خانه زندگی می‌کند. پدر در گیرودار کارهای بحاربخانه‌ی کوچک خودش است و کودک دل‌بسته‌ی قصه‌های پیرمرد که شب‌هنگام پس از خواندن قرآن به آن گوش می‌دهد.
- اسطار (رنگه) - ساخته‌ی امیر نادری، رنگی، ۴۶ دقیقه.
- بسر چهارده ساله‌ای در یک شهر جنوبی ایران، نزد حاله و شوهر پیر او زندگی می‌کند. او هر روز از خانه‌ی همسایه کاسه‌ای بح می‌گیرد، اما هرگز چهره‌ی دختری را که با دستهای حنا بسنه‌ای از لای در به اوج می‌دهد نمی‌بیند. دیدن چهره‌ی صاحب دست آرزوی اوست.
- نداعی (عاشق منحرک) - ساخته‌ی نورالدین زرین‌کلک، سیاه و سفید، ۳/۵ دقیقه.
- این فیلم شرح نمایشی و تفسیر تصویری "نداعی" است، که معنی آن به‌یاد آوردن چیزی از روی چیز دیگر است. بی‌آنکه آدم رابطه‌ی بین این "چیزها" را بطور روشن بداند.
- حسنی (رنگه) - ساخته‌ی شاپور فریب، رنگی، ۳۳ دقیقه.
- حسنی قصه‌ی درگیری معلم و شاگرد اوست. معلم تلاش می‌کند تا شاگردش را به‌مدرسه و درس علاقمند کند و شاگرد سعی دارد که از درس و مدرسه بگریزد.

۱۳۵۴

- سر حرفی (رنگه) - به‌کارگردانی مسعود کیمبائی، رنگی، ۳۸ دقیقه.
- میان بچه‌های یک محله نفاق و دودستگی وجود دارد، بادبادکی باید هوا شود. دسته‌ای نادمان و دسته‌ای ناراحت به‌مانشای آن می‌ایستند. بادبادک در اوج آسمان نخش پاره می‌شود و با

- باد می‌رود. اندوه از دست دادن بادبادک آغاز آشتی بین بچه‌های محله است.
- دو راه حل برای یک مسئله (زنده) - به‌کارگردانی عباس کیارستمی، رنگی، ۵ دقیقه.
  - فاصدک (زنده) - به‌کارگردانی محمد فیجانی، رنگی، ۱۱ دقیقه.
- قاصدک از باد می‌هراسد. قاصدک بچه‌ها را برای بازی به جنگل می‌برد. اما بچه‌ها و قاصدک نمی‌دانند که باران خواهد آمد.
- مسم می‌سوم (زنده) - به‌کارگردانی عباس کیارستمی، رنگی، ۳/۵ دقیقه.
- فیلم درباره‌ی تقلید بچه‌های است از حرکات حیوانات مختلف، که در این تقلید کودکانه او در واقع خود را با حیوانات مقایسه می‌کند. سرانجام در لحظه شکست درمی‌یابد که توانایی و تمایز اصلی انسان در قدرت و تفکر اوست.
- هفت‌نیرهای چوبی (زنده) - به‌کارگردانی شاپور قریب، رنگی، ۴۶ دقیقه.
- هفت‌نیرهای چوبی قصه‌ی زندگی ساده‌ی بچه‌های ایستگاه قطاری است در شمال، که روزها را به‌بازی و مدرسه رفتن می‌گذرانند و شبها با قصه‌های گرم و پرکشش مادر بزرگ به‌خواب می‌روند. تا اینکه تلویزیون به این ایستگاه کوچک می‌آید و زندگی بچه‌های محل را دگرگون می‌کند. بچه‌ها به‌تقلید فیلمهایی که می‌بینند می‌پردازند.
- مرد و اسر (نقاشی متحرک) - ساخته‌ی پرویز نادری، رنگی، ۷ دقیقه.
- ابری حاصل از بخار کتری، سایه‌وار در تعقیب مرد است. وجود ابر تحمل‌ناپذیر می‌شود و اندیشه‌ی فرار از آن تمام لحظات مرد را پر می‌کند. چاره‌ی کار در آن است که همه‌ی حوادثی که باعث بوجود آمدن ابر شده است وارونه شود تا ابر نیز به‌درون کتری برگردد و مرد از نگرانی برهد.
- دسای دیوانه، دیوانه، دیوانه (نقاشی متحرک) - ساخته‌ی نورالدین زرین‌کلک، رنگی، ۳/۱۶ دقیقه.
- فیلم که تصاویرش از نقشه‌ی کره زمین مایه می‌گیرد، طنزیست درباره‌ی وضعیت جهان.
- مداد بنفش (نقاشی متحرک) - ساخته‌ی نفیسه ریاحی، رنگی، ۱۳ دقیقه.
- کودک در تخیل خود دنیایش را می‌سازد و در انجام این منظور مرز بین واقعیت و تخیل از بین می‌رود.
- ملک خورشید (نقاشی متحرک) - به‌کارگردانی علی‌اکبر صادقی، رنگی، ۱۳ دقیقه.
- "این فیلم براساس قصه‌های عامیانه ساخته شده است: ... و چون چشم شاهزاده بر آن تصویر افتاد تیری از کمانخانه عشق رها شد و بر سینه‌اش نشست، از سوز دل آهی کشید و از پای درآمد... سرانجام شاهزاده، طلسم‌شکن رفت و رفت و رفت تا به شهر هفتم رسید و در آنجا با حقایق تازه‌ای روبرو شد.
- دروازه (زنده) - ساخته‌ی یان‌اونگ، رنگی، ۱۵ دقیقه.
- "دروازه" مجموعه‌ای از موقعیت‌های مختلف است که می‌تواند برای کودکان مفاهیم ذهنی خاصی دربر داشته باشد. در پایان فیلم سوالات زیادی بی‌پاسخ می‌ماند. هر کودک می‌تواند پاسخ مخصوص به‌خودش را در رویاهای خویش بجوید.

• اسب (رنده) - ساخته‌ی مسعود کیمیائی ، رنگی ، ۵۵ دقیقه .

پسرک ترکمن عاشق اسبی است که خود بزرگش کرده است . دلالتان اسب خریدار آن می‌شوند . پسر زمانی حاضر به فروش او می‌شود که خود مهنر اسبش باشد . اسب و پسر به شهر آورده می‌شوند و اسب در مسابقه‌ی بزرگ برنده می‌شود . پسر تنهاست و همه برایش ناآشنا و غریبه . پسر به یاد خانواده و زادگاهش می‌افند و تصمیم به بازگشت می‌گیرد . در این بازگشت اسب همراه اوست .

• سهارک (رنده) - ساخته‌ی اسفندیار منفردزاده ، رنگی ، ۳۸ دقیقه .

قصه‌ی این فیلم را پرویز دوابی بر پایه‌ی یک حکایت عامیانه نوشته است . پسر تنبلی را مادرش از خانه می‌راند . پسر سرگردان به جست‌وجو می‌پردازد و از کله‌هایی که آب با خود به همراه می‌آورد ، راه به باغی می‌برد که در آن دختری در چنگال دیو گرفتار است . پسر با تدبیر سحر دیو را باطل می‌کند .

• پرچین (رنده) - ساخته‌ی ارسلان ساسانی ، رنگی ، ۴۲ دقیقه .

پسرکی دور از چشم پدر ، نوله‌سگی را به‌خانه می‌آورد و در یک انباری پرچین شده پنهان می‌کند . با آنکه در تغذیه‌اش وامی‌ماند ، شوق نگهداری از آن باعث می‌شود که از مدرسه بگریزد و از پدرش کتک بخورد . از سوی دیگر مادر توله در جستجوی فرزند خویش است . پسر بچه توله را به او باز می‌گرداند .

• رنگها (رنده) - ساخته‌ی عباس کیارستمی ، رنگی ، ۱۵ دقیقه .

فیلم رنگها سعی می‌کند که با نشان دادن اشیاء اطراف و محیط ، رنگهای اصلی را به‌خاطر بچه‌های خردسال بسپارد ، و در خلال آن بکته‌های کوچک آموزشی را که به بعضی از رنگها ارتباط پیدا می‌کند ، به‌تماشای خردسال می‌آموزد .

• لباس برای عروسی (رنده) - به‌کارگردانی عباس کیارستمی ، رنگی ، ۵۷ دقیقه .

مادری به‌مناسبت عروسی دخترش ، پسرش را به خیاطخانه می‌برد تا برای او لباس تازه‌ای بدوزد . علی شاگرد خیاطخانه اسب و این لباس تازه اندازه دو نفر از رفقای اوست که در آن پاساژ کار می‌کنند ، هر دو نفر از علی می‌خواهند قبل از اینکه مشتری لباس را از خیاطخانه ببرد آن را برای یکشب به آنها قرض بدهد .

• مزاحمها (نقاشی متحرک) - ساخته‌ی وجیه‌الله فرد مقدم ، رنگی ، ۳ دقیقه .

ساعت باید مرد را در وقت معین از خواب بیدار کند ، برای انجام این کار از خروس می‌خواهد که سر وقت از خواب بیدارش کند و خروس هم این وظیفه را به ضبط صوت و بلندگو محول می‌کند . . . .  
• دایره (نقاشی متحرک) - ساخته‌ی سودابه آگاه ، رنگی ، ۵ دقیقه .

فیلم با عکسهائی از اشکال گرد شروع می‌شود و به‌این‌ترتیب به دنیائی از دوایر می‌رسد . بازیهای فانتزی‌ای که این شکل‌های گرد می‌آفرینند باعث پدید آمدن فضاهاى غیرقابل پیش‌بینی و نقش‌های بدیع می‌شود .

• امیرحمزه دلدار و گور دلگیر (نقاشی متحرک) - ساخته‌ی نورالدین زرین‌کلک، رنگی، ۲۸ دقیقه.  
امیرحمزه که دلدار است به کمند عشق دختر پادشاه مدائن که دلگیر است می‌افتد. اما دلگیری دختر پادشاه اینست که در طلسم دیو خالدار گرفتار است و بصورت گوری درآمد. امیر در پی نجات عشق خود برمی‌آید چنانکه باید، اما نه‌چنانکه در قصه‌ها آمده است بلکه با هوش و زیرکی یک انسان عادی که حتی قدرت دیو افسانه را مطیع می‌کند.

• زال و سیمرغ (نقاشی متحرک) - به‌کارگردانی علی‌اکبر صادقی، رنگی، ۲۵ دقیقه.  
فیلم روایتی است از شاهنامه‌ی فردوسی. سام نریمان، بعد از سالها صاحب فرزند می‌شود که سبیدموی است. سام از این واقعه آنقدر متاثر می‌شود که فرمان می‌دهد طفل را بر قلعه‌ی کوهی بگذارند تا طعمه‌ی حیوانات وحشی شود؛ سیمرغ طفل را می‌یابد و بر او نام زال می‌گذارد و پرورش و تربیتش را برعهده می‌گیرد و از او جوانی برومند و پهلوان می‌سازد. داستان با پشیمانی سام و آشتی پدر و پسر پایان می‌گیرد.

• رنگ اول، زنگ دوم (زنده) - ساخته‌ی کیومرث پوراحمد، رنگی، ۲۲ دقیقه.  
لکنت زبان مسعود برایش دردسر ایجاد کرده است. مادر بزرگ، خوردن تخم کبوتر را برای باز شدن زبان تجویز کرده است و دکتر او را به‌تمرین تشویق می‌کند. در هر حال خوردن تخم کبوتر بی‌نتیجه می‌ماند و مسعود درمان را در تمرین می‌یابد.  
• سکه (زنده) - ساخته‌ی نعمت حقیقی، رنگی، ۴۴ دقیقه.

غریبه‌ای رابط‌های صمیمانه‌ی دو برادر را - که یکی از آن دو نابیناست - بهم می‌زند. برادر بزرگتر برای اثبات بی‌گناهی خود و جلب محبت از دست رفته‌ی برادر نابینا، ناگزیر به‌انجام عملی می‌شود که نتیجه‌اش وضع را خراب‌تر می‌کند. پایان ماجرا رفع سوءتفاهم است و بازگشت آندو به‌سوی هم.

• سه‌ماه تعطیلی (زنده) - ساخته‌ی شاپور قریب، رنگی، ۷۰ دقیقه.  
سه‌ماه تعطیلی است و شروع استراحت و بازیهای شاد بچه‌های یک مدرسه بیلاقی؛ اما تعطیلات طولانی است و بازیها تکراری و خسته‌کننده تا آنجا که بچه‌ها برای فرار از بیکاری هر یک به کسب و کاری رو می‌آورند. در این میان برای یکی از آنها اتفاقی رخ می‌دهد و آن آشنایی با دختری است که همراه خانواده‌ی خود برای گذراندن تابستان به بیلاق آمده است. این آشنایی با تمام شدن سه‌ماه تعطیلی، پایان می‌گیرد.

• بجز فیلمهای یاد شده، که اکثراً داستانی بودند، مرکز سینمایی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تعدادی فیلم آموزشی نیز تهیه کرد. نام و نشان این فیلمها (که همگی ۱۶ میلیمتری بودند) از این قرار است:

• سارا بیمار است (زنده) - ساخته‌ی جواد کهنمویی، رنگی، ۶ دقیقه.



- اسحا شهر شماس (زنده) - ساخته‌ی حسن مسرف آزاد تهرانی، رنگی، ۶ دقیقه.
- به حرفها خوب گوش کیم (زنده) - ساخته‌ی جواد کهنموئی، رنگی، ۱۱ دقیقه.
- مقدمه‌ای بر کتاب (زنده) - ساخته‌ی کهنموئی، رنگی، ۲/۲۷ دقیقه.
- بست (زنده) - ساخته‌ی ناصر زراعتی، رنگی، ۱۸ دقیقه.
- در امتداد یک سم (زنده) - ساخته‌ی کهنموئی، رنگی، ۱۱ دقیقه.
- سائید بغانی کیم (زنده) - ساخته‌ی ابراهیم وحیدزاده، رنگی، ۱۴ دقیقه.
- سائید ساز بزم (زنده) - ساخته‌ی ابراهیم وحیدزاده، رنگی، ۱۱ دقیقه.
- سائید ناتر ناری کیم (زنده) - ساخته‌ی ابراهیم وحیدزاده، رنگی، ۱۵ دقیقه.
- کاشی‌کاری (زنده) - ساخته‌ی آیدین آغداشلو، رنگی، ۱۰ دقیقه.
- حطاطی (زنده) - ساخته‌ی آیدین آغداشلو، رنگی، ۸ دقیقه.
- خون (زنده و نقاشی متحرک) - ساخته‌ی مشترک نفیسه ریاحی و حسین جهانشاهی، رنگی، ۱۲ دقیقه.
- سهم ما از خورشید (زنده) - ساخته‌ی جواد کهنموئی، رنگی، ۷ دقیقه.
- ثروب (زنده) - ساخته‌ی جواد کهنموئی، رنگی، ۹ دقیقه.
- رنگ‌زی (زنده) - ساخته‌ی کوروش افشارپناه، رنگی، ۱۷ دقیقه.
- تعاون (زنده) - ساخته‌ی کوروش افشارپناه، رنگی، ۱۵ دقیقه.
- راه‌حل یک (زنده) - ساخته‌ی عباس کیارستمی، رنگی، ۵ دقیقه.
- راه‌حل دو (زنده) - ساخته‌ی عباس کیارستمی، رنگی، ۶ دقیقه.
- تیم خانوادگی ۱ (زنده) - ساخته‌ی کهنموئی، رنگی، ۲۰ دقیقه.
- تیم خانوادگی ۲ (زنده) - ساخته‌ی کهنموئی، رنگی، ۲۰ دقیقه.
- سم خانوادگی ۳ (زنده) - ساخته‌ی کهنموئی، رنگی، ۲۰ دقیقه.
- مکاسیک (زنده) - ساخته‌ی عبدالله غیابی، رنگی، ۱۷ دقیقه.
- عمبرکاران وسایل الکتریکی (زنده) - ساخته‌ی ابوالفضل رازانی، رنگی، ۱۳ دقیقه.
- ساریگر (زنده) - ساخته‌ی داود روستائی، رنگی، ۲۱ دقیقه.
- فاصی (زنده) - ساخته‌ی کیومرث پوراحمد، رنگی، ۱۵ دقیقه.
- راننده (زنده) - ساخته‌ی ناصر زراعتی، رنگی، ۱۶ دقیقه.
- بهداشت دندان (زنده) - ساخته‌ی عباس کیارستمی، رنگی، ۲۴ دقیقه.



• پوستر فیلم "من چقدر می‌دانم" (۱۳۵۱) ساخته‌ی نفیسه ریاحی



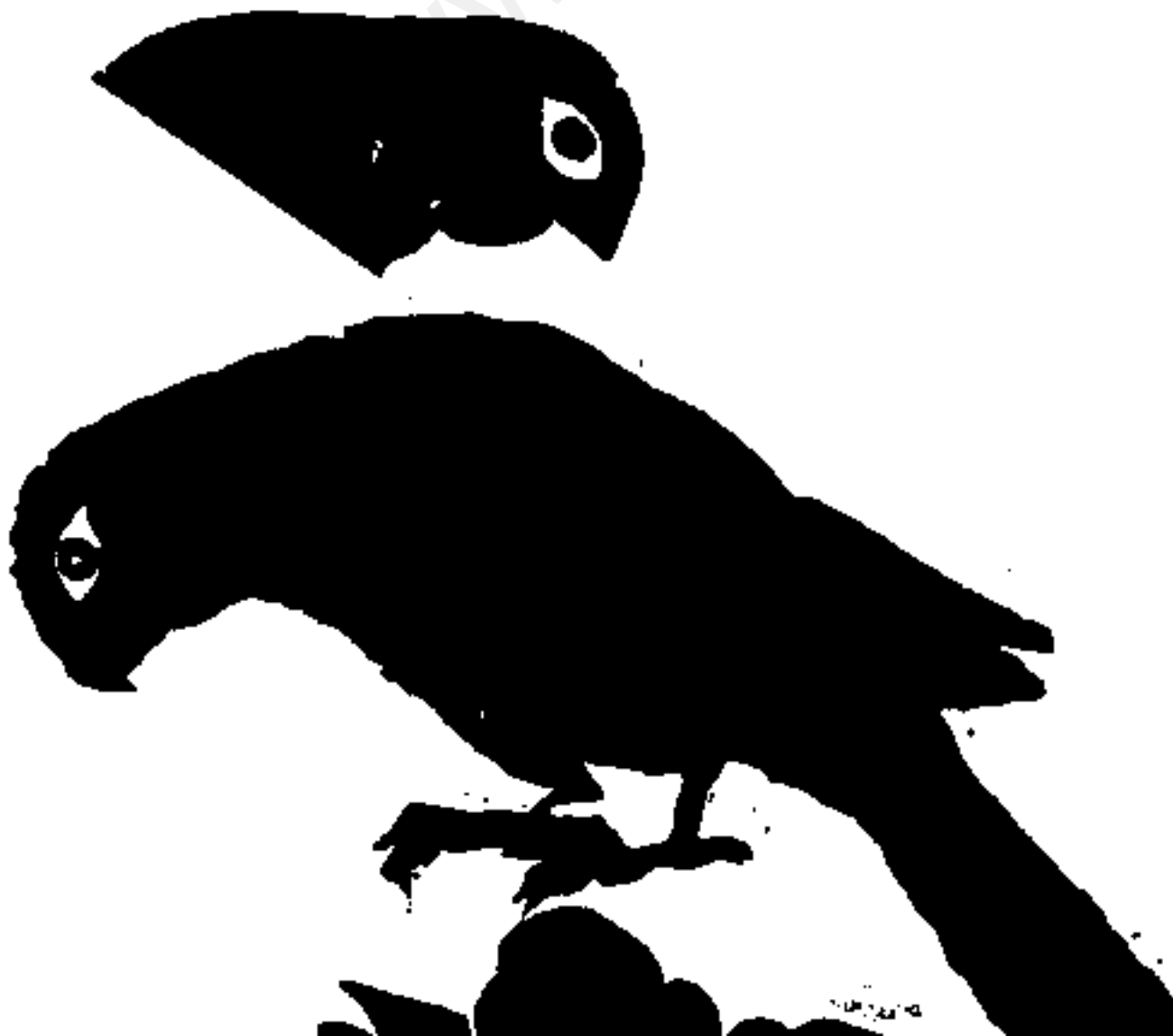


ه "سفر" (۱۳۵۱)  
ساخته‌ی بهرام بیضایی

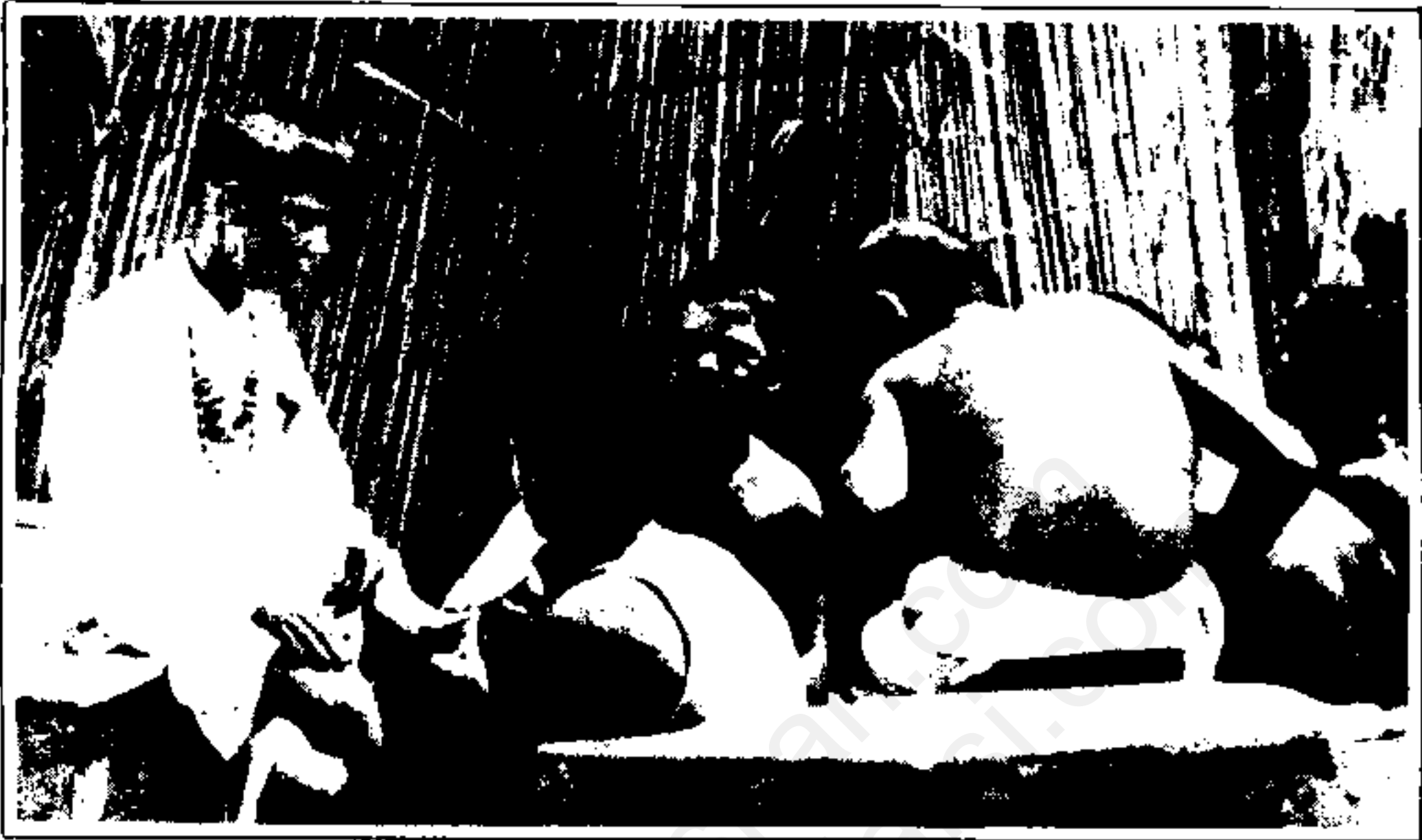


رضا علامهزاده

Reza Alamezadeh

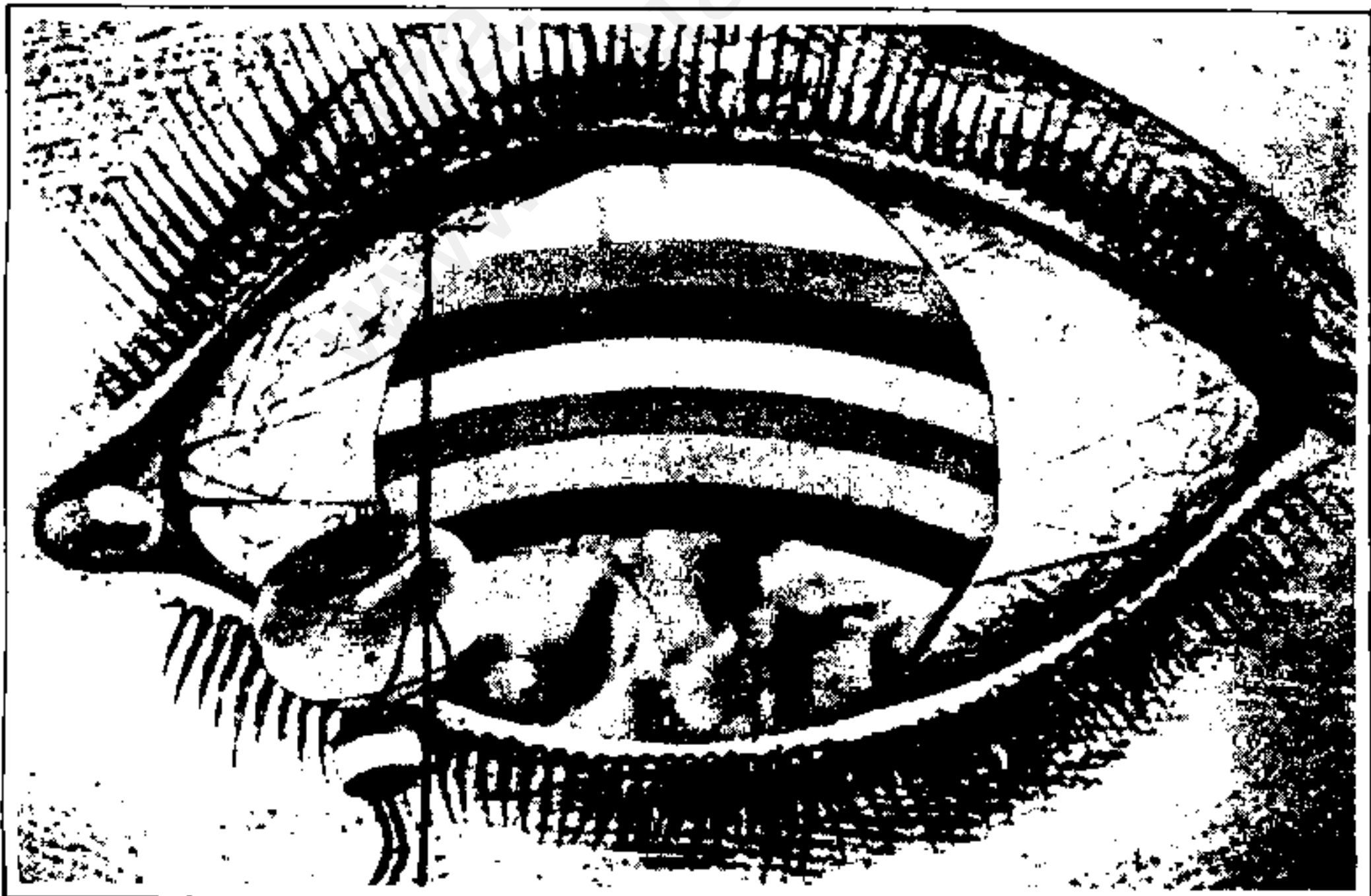


ه پوستر فیلم "دار" (۱۳۵۲)  
ساخته‌ی رضا علامهزاده



«ساز دهنی» (۱۳۵۲) ساخته‌ی امیر نادری

«رنگین گمان» (۱۳۵۲) ساخته‌ی نفیسه ریاحی

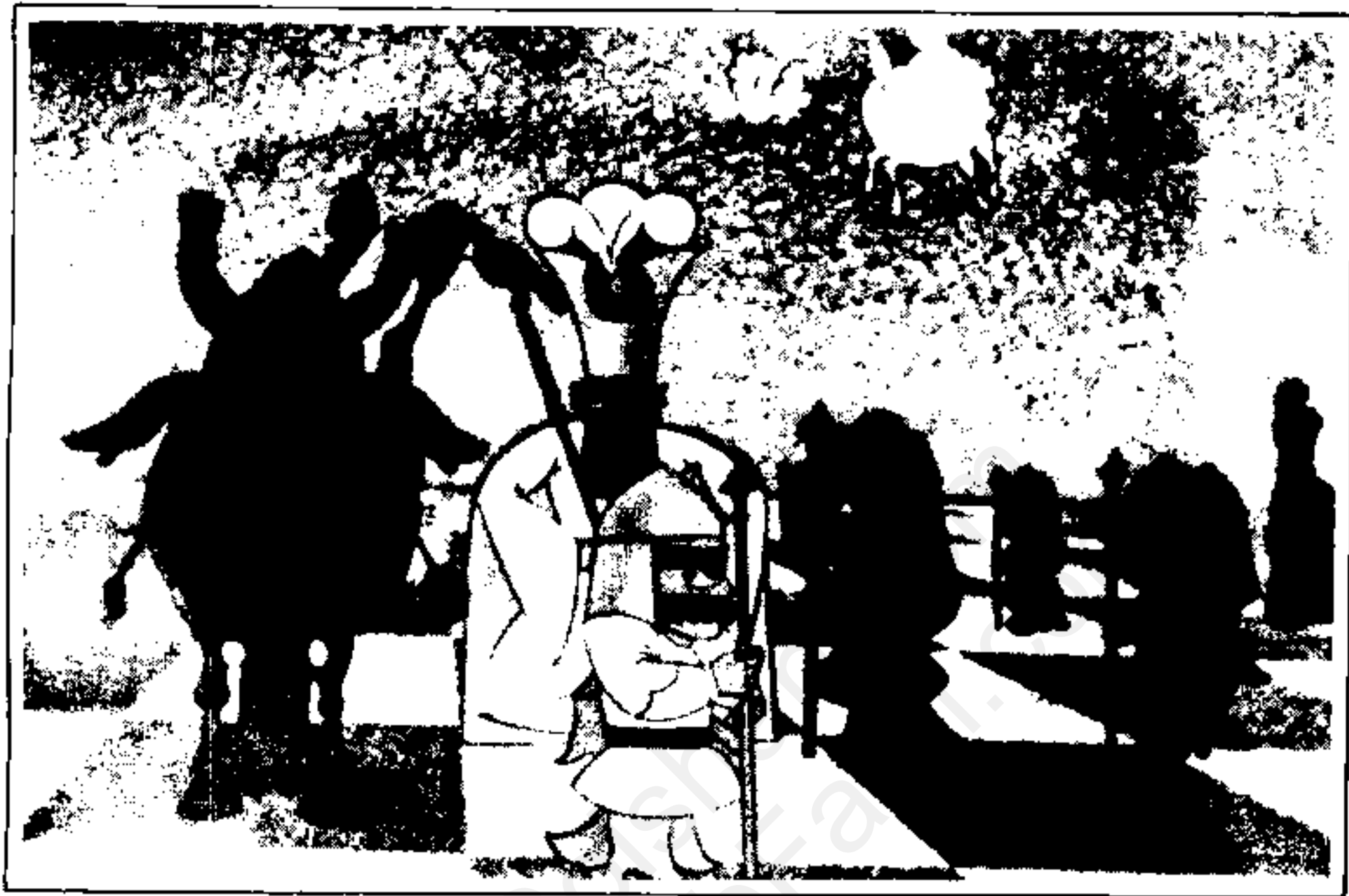




«حسنی» (۱۳۵۳) ساخته‌ی شاپور قریب

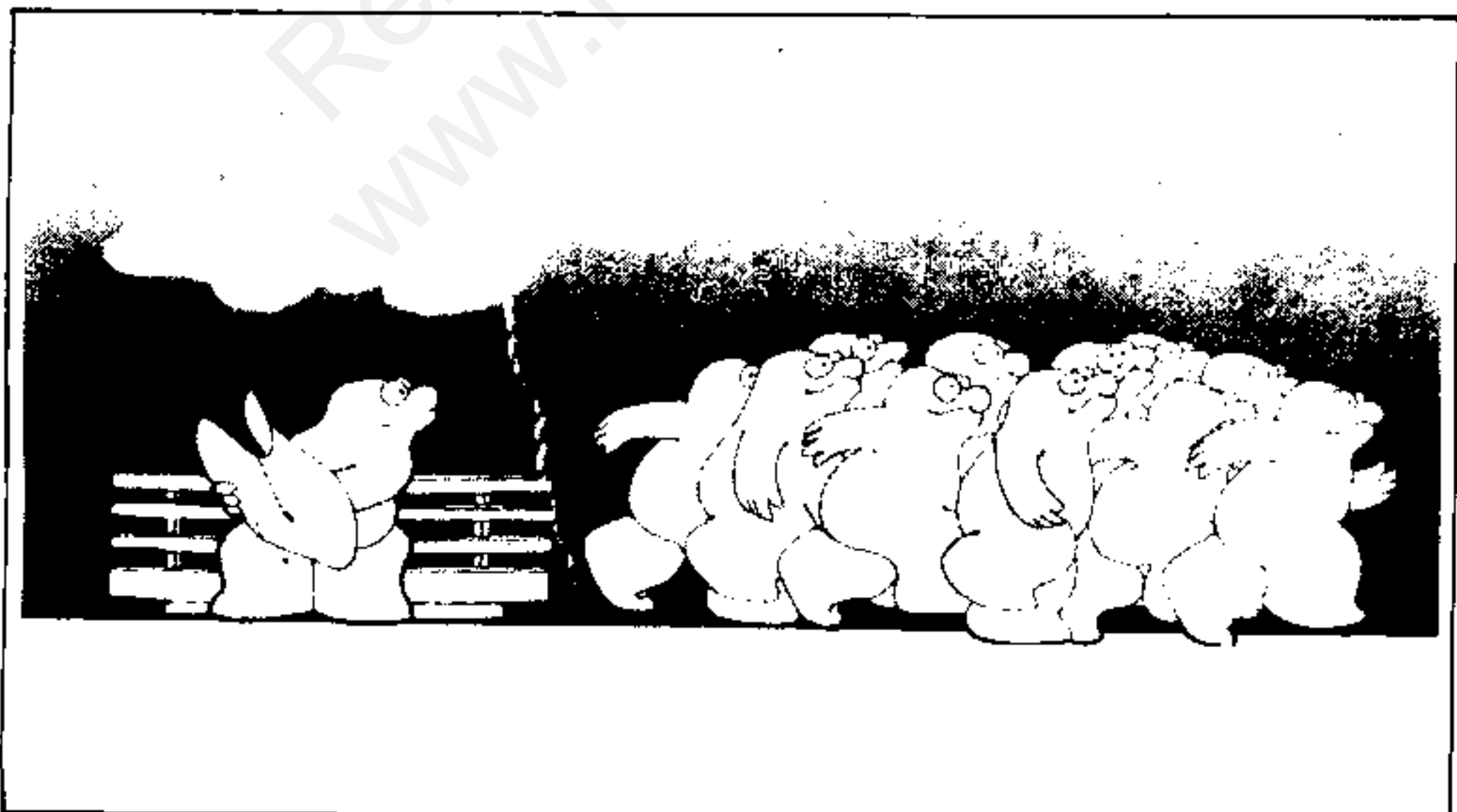
«دوباره نگاه کن» (۱۳۵۳) ساخته‌ی فرشید مثقالی





«رخ» (۱۳۵۳) ساخته‌ی علی‌اکبر صادقی

«مرد و ابر» (۱۳۵۴) ساخته‌ی پرویز نادری



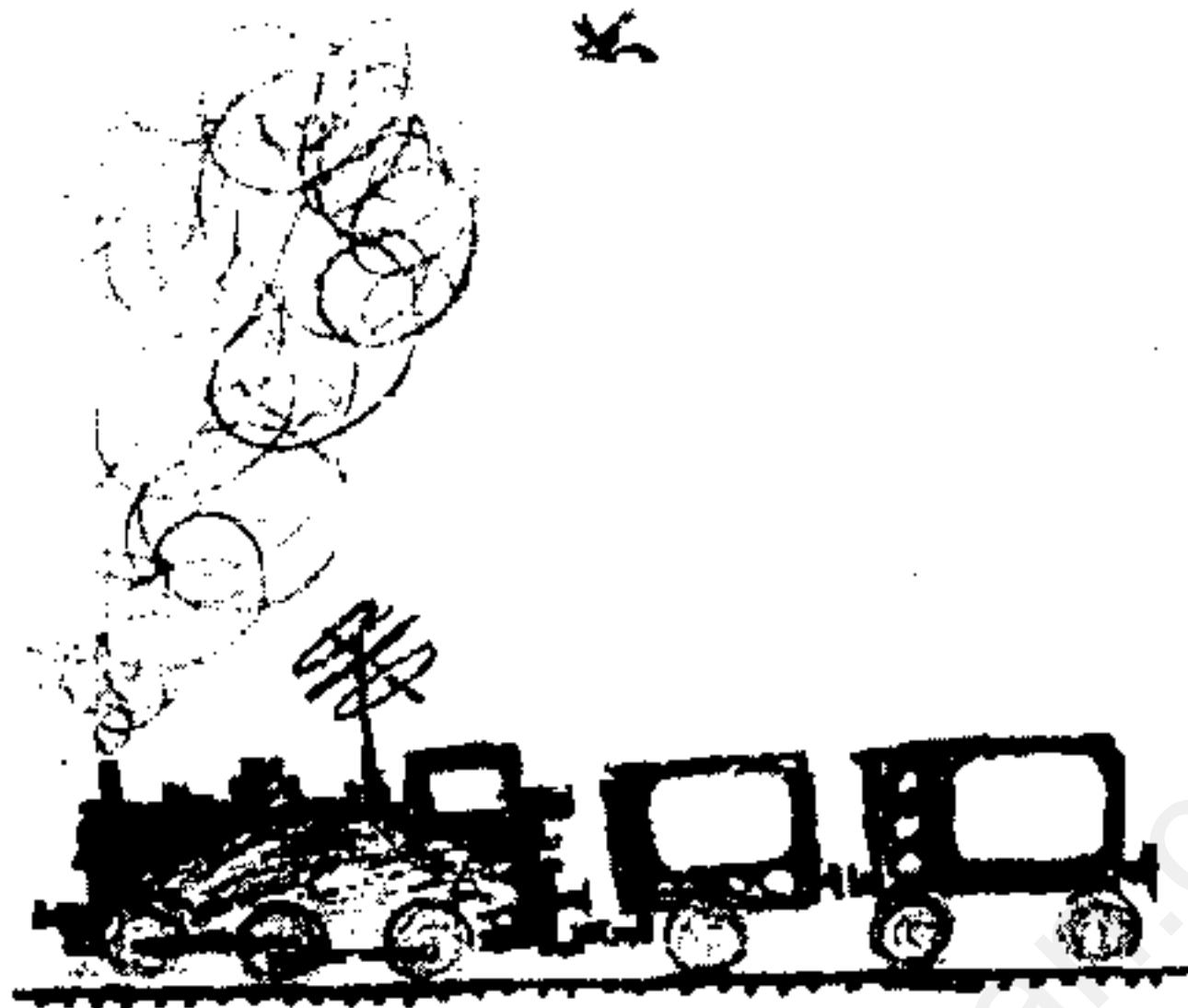
# هفت تیرهای چوبی

WOODEN PISTOLS

SHAPUR GHARIB

سازنده و کارگردان: شاپور غریب

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان



ه پوستر فیلم "هفت تیرهای چوبی"  
(۱۳۵۴) ساخته‌ی شاپور غریب

ه "پسر شرقی" (۱۳۵۴)  
ساخته‌ی مسعود کیمیائی





# اسب

## THE HORSE

موسسه پرورش فکری کودکان و نوجوانان  
DIRECTIONS  
مسعود کیمیائی MASSEUD KIMI'AI

فیلمر پلزی مرکز مینمایر  
A PRODUCTION OF  
کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان THE INSTITUTE FOR THE INTELLECTUAL DEVELOPMENT OF CHILDREN AND YOUTH ADULTS



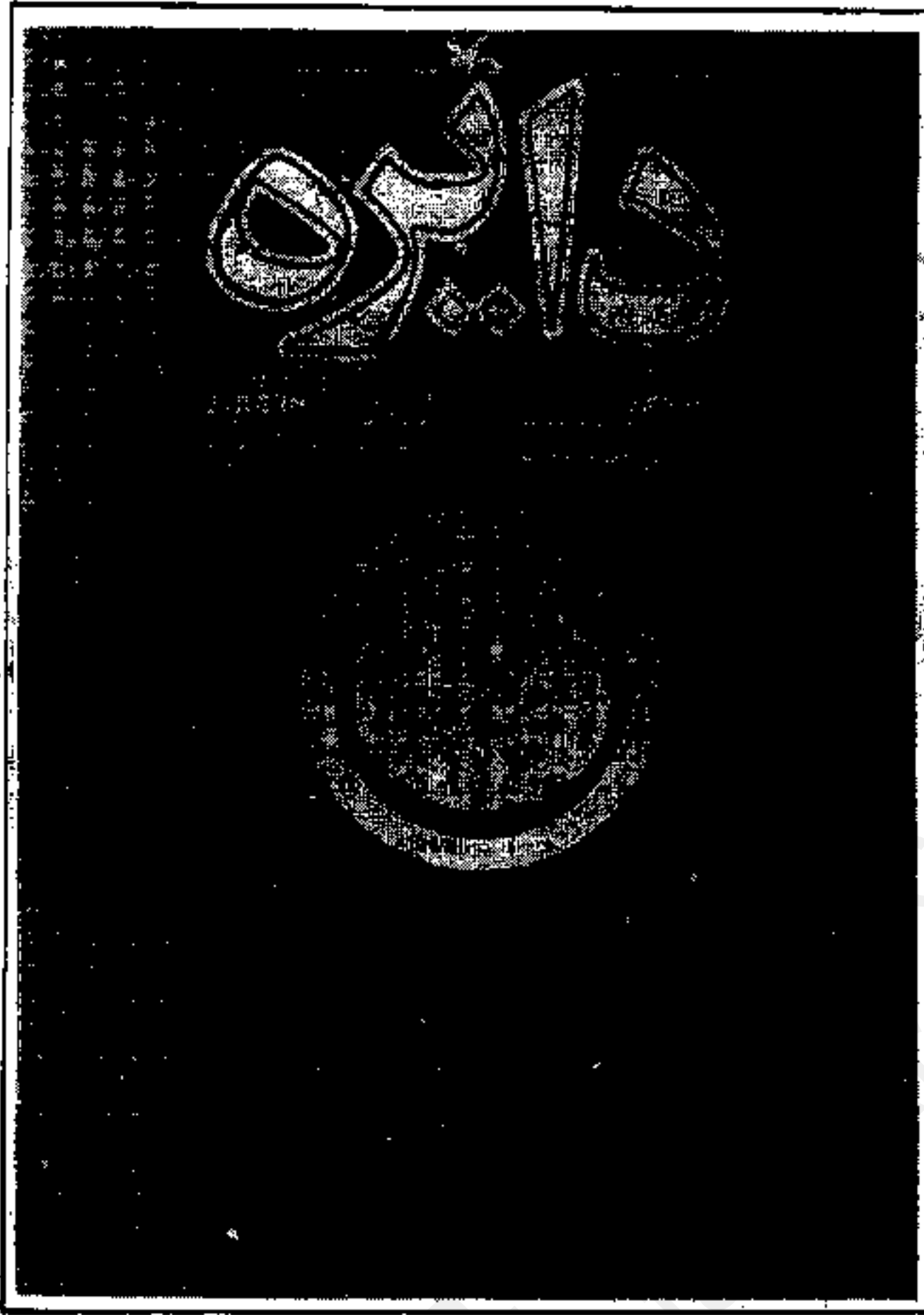


«منم می‌تونم» (۱۳۵۴) ساخته‌ی عباس گیارستمی

«لباس برای عروسی» (۱۳۵۵) ساخته‌ی عباس گیارستمی







• پوستر فیلم "دایره"، (۱۳۵۵)  
 ساخته‌ی سودابه آگاه

• "پرچین" (۱۳۵۵)  
 ساخته‌ی ارسلان ساسانی

